

سرسخن

کاهش شکاف فکری بین داراها و ندارهای اطلاعاتی؛ وظیفه این زمانی کتابداران

دکتر محمد حسین دیانی^۱

کتابخانه‌ها در سراسر تاریخ همواره به دلیل برآورده کردن نیازها، با نامها و شکلهای متفاوتی در صحنه اجتماعات بشری حضور داشته‌اند. این ادعا به عنوان اولین اصل پایدار در حوزه کتابداری مشهور بوده است. بر اساس این اصل، کتابخانه زاده جامعه است. آنچه این اصل بر آن تاکید دارد، این است که سرنوشت کتابخانه‌ها همواره به سرنوشت جامعه وابسته بوده است. عصاره معرفت و فرهنگ جامعه را در خود جای داده و به نشر آن نیز پرداخته است. مکانهایی که کتابخانه‌ها در طی تاریخ خود در آن استقرار یافته‌اند، افزون بر دو نقش ذکر شده، بسته به نوع کسانی که به منابع موجود در آنها دسترسی داشته‌اند، کارکردهای دیگری نیز برای خود تعریف کرده‌اند.

۱. عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

در سراسر تاریخ کتابخانه‌ها، رگه‌هایی از کتابخانه در خدمت همه قابل ردیابی است، اما مفهوم «همه» در معنایی که امروزه مورد نظر است، به زمانی طولانی بر نمی‌گردد. در چارچوب نظریه دولت ملی که «آنتونی گیدنز» مورد توجه قرار می‌دهد، با رواج دولتهای ملی (حدود ۳۰۰ سال پیش) که مهم‌ترین دغدغه آنها آمادگی همیشگی برای دفاع از سرزمین به یاری شهروندان فداکار خود است، مفهوم «همه» نیز گسترده‌تر شده است. در این نوع دولتها، همه مردم در مقابل فداکاری برای حفظ مرزهای کشور، به حقوقی خاص دست می‌یابند. این حقوق از جنبه‌های دسترسی به دریافت امتیازهای مادی و موقعیتی شروع و به مشارکت در تصمیم‌گیریهای کلان، گسترش می‌یابد. در چارچوب نظریه «دانیل بل»، با رشد فناوری، از نیاز به تعداد انسانهایی که به اتکای تجربه‌های شخصی فراگرفته از والدین به قابلیت بهره‌گیری از زمین دست یافته بودند، کاسته شد و افراد مازاد، برای کسب قابلیت اشتغال در اموری که پیشه‌وری و کارگری نامیده می‌شد، به آموزشهای مورد نیاز محیط کار دست می‌یافتند. اتکای این گونه محیطها به پیشه‌وران، کارگران و کارکنانی به لحاظ تفکر ورزیده، موجب شد صاحبان کارخانه‌ها در مقابل امتیازهای فراوانی که از سوی این نیروها به دست می‌آوردند، امتیازهایی نیز به آنها بدهند تا افزونی امتیازهای خود را تداوم بخشند.

«دانیل بل» دوره اول را دوره «بازی در برابر طبیعت» و دوره دوم را «بازی در برابر طبیعت مصنوع» می‌نامد. او معتقد است تحولات در فناوریها بشر را از دوره اول به دوره دوم رسانده است و اکنون در برخی از کشورها همان فناوری که رشد خود را مدیون معقول‌اندیشی مبتنی بر کار کمتر و سود بیشتر است، در حال وارد شدن به دوره سوم است که او آن را دوره «بازی در برابر انسان» می‌نامد. او ابتدا این دوره را «دوره پسا صنعتی» و سپس «دوره جهانی شدن»، نامید. به نظر او، در این دوران بیش

از همه دورانهایی که بشر پشت سر گذاشته است، مردم به معنای واقعی خود در همه زمینه‌ها بویژه در حوزه‌های تولید، اشاعه و مصرف کالاهای فرهنگی مشارکت دارند. در این دوران، مردم کمتر با زمین و صنعت سروکار دارند، بلکه کار بیشتر انسانها، تعامل کلامی با دیگران است. به نظر او، این نوع مشاغل نمی‌توانند به مدد فناوری مکانیزه شوند. در عین حال، مدعی است که ویژگی اساسی این دوران، بهره‌گیری از دانش نظری برای ممانعت از بروز بحرانهای اجتماعی و یا کوتاه‌سازی دوره بحرانهای اجتماعی است.

در چارچوب هریک از نظریات فن باورانه «دانیل بل»، فن هراسانه «آنتونی گیدنز» و دیالکتیک «آدلر شیلر»، صنعت اصلی این دوران «صنعت فکری» است. در این چارچوب است که مفهوم «همه» تحت تأثیر میزان دسترسی و میزان توان بهره‌گیری از اطلاعات در خطر است. داراها و ندارهای اطلاعاتی، صفتی است که می‌توان آن را به کشورها شمال و جنوب، شهرنشینان و روستائینان، شمال‌نشین‌ها و جنوب‌نشین‌های یک کشور، زنان و مردان و حتی رده‌های سنی نسبت داد. در اصطلاح رایج این زمانی، بین این دو نوع گروه‌ها شکافی وجود دارد که آن را «شکاف اطلاعاتی» و نیز «شکاف دیجیتالی» می‌توان نامید.

این نوع شکاف همواره در حال افزایش است و پیامد این افزایش شکاف، دشوارتر شدن رسیدن به تفاهم بین افراد قرار گرفته در هر دو سوی این شکاف (یا توافق بین «همه») است. با کم شدن تفاهم، سوگیریهای ناپسند رواج می‌یابد و با افزایش این نوع سوگیریها، ارکانی که اجتماع را منسجم نگه می‌دارد، متزلزل می‌شود و در چنین شرایطی بروز هر نوع نابسامانی، اجتناب‌ناپذیر است.

با پذیرش تنها برخی از این نوع استدلالها، می‌توان نظر «دانیل بل» را مورد توجه قرار داد و پذیرفت که ویژگی دوران تسلط «صنعت فکری» آمادگی برای جلوگیری از بروز بحرانهای اجتماعی با بهره‌گیری از دانش نظری است.

این بحث از آن جهت باید مورد توجه باشد که کتابداران همیشه خود را موظف می‌دانسته‌اند که بین مردم و متون و منابعی که پاسخگوی نیازهای آنهاست، رابطه مطلوب برقرار کنند. این وظیفه اکنون با عنوان تلاش برای کاستن از شکاف اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی بین داراها و ندارهای اطلاعاتی، با گستره‌ای بسیار وسیع‌تر پیش روی کتابداران قرار دارد. این وظیفه، بویژه اکنون که دولتها از شدت حمایت‌های خود از خدماتی که به اصطلاح «خدمات عمومی» نامیده می‌شود، کاسته‌اند؛ با اهمیت‌تر جلوه می‌کند. در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین هدفهای کتابخانه‌های امروزی، یاری‌رسانی به ندارهای اطلاعاتی است تا شکاف اطلاعاتی و نیز شکاف دانشی بین این دو کمتر شود، نه بیشتر. خواه این دو گروه کشورها باشند، مردمان بالانشین و پایین‌نشین شهرها باشند، مردمان شهری و روستایی باشند و یا مردان و زنان جامعه در سطح محدود و در سطحی گسترده. ممانعت از عمیق‌تر شدن شکاف (یا دو شقه شدن «همه»)، که به یقین به زیان ندارهای اطلاعاتی است، وظیفه این زمانی کتابداران است.